

سنجش درجه توسعه یافتگی بر کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی

(مطالعه موردی: محله هرندی منطقه ۱۲)

سعید کامیابی^۵

مهدیه طایفه رستمی^۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۸

چکیده

برای سنجش میزان توسعه یافتگی نواحی مختلف یک کشور روش های گوناگونی وجود دارد که هر یک معایب و محاسنی دارد. وجود آمار و راقام و شاخص های متعدد و پراکنده در موارد بسیاری زمینه سردرگمی و تردید در امر شناسایی نواحی میزان توسعه یافتگی آنها را فراهم می کند؛ از این رو ترکیب منطقی آنها برای تسهیل در امر تصمیم گیری لازم و ضروری می نماید. البته هرگونه ادغام باید براساس ضوابط علمی و رعایت نکات لازم انجام پذیرد که شاخص را به اندازه کافی گویا و معنی دار سازد. هدف اصلی این پژوهش سنجش درجه توسعه یافتگی محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ تهران بر اساس پاره ای از شاخص های توسعه به منظور دستیابی و علل نابرابری های مناطق شهری همراه با ارائه راهکارهایی برای کاهش عدم توسعه یافتگی محلات می باشد. برنامه عمران سازمان ملل متحد، الگویی برای درجه بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی (کالبدی- انسانی)، به کار برده است که هم جدیدترین الگوی رسمی به کار گرفته در سطح جهانی بوده و هم اینکه قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضا های مورد برنامه ریزی با مقیاس های مختلف و متنوع قابل اجراست که به نام الگو موريس معروف است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی با استفاده از روش توسعه یافتگی موريس و سنجش از راه دور (GIS) که در آن از سه شاخص های اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شصت مؤلفه استفاده شده است

واژگان کلیدی: توسعه یافتگی، محلات، کلان شهر، GIS، روش موريس.

۵- دکتری برنامه ریزی شهری saeidkamyabi@gmail.com

۶- کارشناس ارشد برنامه ریزی آمایش سرزمین Mahta1102@yahoo.com

۱. مقدمه

امروزه به دلیل تمرکزگرایی و انباشت سرمایه در درون شهرهای بزرگ با رشد و گسترش شهرها روبرو هستیم از طرفی این انباشت سرمایه و تمرکز گرایی باعث بوجود آمدن مهاجرت و هجوم اقوام مختلف در درون کلانشهرهایی چون تهران گردیده است. کلان شهر تهران دارای ۲۲ منطقه می باشد که هر یک با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط اقتصادی و اجتماعی به لحاظ توسعه یافتگی متفاوت می باشند. منطقه ۱۲ شهرداری تهران که قدمت آن به عهد ناصری می رسد امروزه در نقطه مرکزی شهر تهران قرار گرفته و دارای شش ناحیه و سیزده محله است. این منطقه باتوجه به قدمت تاریخی خود دارای ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و... می باشد. بنابراین می توان گفت هر محله ویژگی های خاص خود را دارا می باشد. این منطقه دارای بافتی فرسوده با خانه های قدیمی و... می باشد که این امر باعث گردیده ساکنین بعضی از این محلات را بیشتر افرادی با درآمد متوسط رو به پایین تشکیل دهند. هدف توسعه، پرورش قابلیت های انسان و گسترش امکانات اوست برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و اخلاق در محیط غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است. افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری است اما این دو، وسیله توسعه هستند نه هدف آن. به طور خلاصه می توان گفت انسان، هدف توسعه و در عین حال محور توسعه است و مفهوم توسعه انسانی را در مرکز الگوهای توسعه قرار می دهد نه در حاشیه آن توسعه انسانی یک دیدگاه مشترک با حقوق بشر دارد. هدف، آزادی انسان است و این آزادی حیاتی است. مردم در انتخاب های خود و مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیر میگذارد، باید آزاد باشند. توسعه انسانی و حقوق بشر متقابلاً همدیگر را تقویت می کنند و به تضمین رفاه زندگی و منزلت همه مردم کمک نموده و عزت نفس و احترام به دیگران را ایجاد می نمایند (محمد علیخانی و دیگران: ۱۳۹۱).

شرایط اجتماعی و نظریه های جغرافیایی:

امروزه حضور پدیده های گوناگون در جوامع تنها از یک بعد مورد سنجش و ارزیابی قرار نمی گیرند این امر دخالت عوامل متعدد در ایجاد یک پدیده منجر گردیده تا اندیشمندان مختلف از افقهای گوناگونی به چرایی حضور پدیده ها بی اندیشند. این امر می تواند نشأت گرفته از ماهیت و شرایط ایجاد مسائل باشد. بنابراین محقق سعی خود را بر آن داشته تا اندیشه های متفکران بزرگ را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا بتواند قالبی را برای تحقیق خود جهت تدوین طرحی نظری، جامع در راستای موضوع پژوهش انجام دهد.

از جمله نظرات و اندیشه های موجود در عرصه های جغرافیا، آمایش سرزمین، تحلیل فضایی و نابهنجاری های اجتماعی:

جدول شماره ۱. نظریات جغرافیدانان در خصوص محیط فضایی

ردیف	عنوان نظریه / مکتب	نظریه پردازان	سال	مفاهیم کلیدی
۱	نظریه نهیلیسم	گنورگی پلخانف-ان.ان. بارانسکی-وی.آ. آنوشتین	۱۸۵۵-۱۹۱۸	هیچ انگاری شرایط جغرافیایی
۲	کارکردگرایی	تالکوت پارسونز-کنیزلی دیویس-ویلبرت مور-روزنفلد-ارنست هاگل	۱۹۵۲	نابرابری را ذاتی تمدن و عامل پیشرفت می دانند.
۳	جبر محیطی گزینستایلیسم	کارل رریتر-شومپیتر-لنین-راتزل-هگل-ویلیام موریس-پرچیل سمپل	۱۹۰۲	آزادی انسان در عملکردهایش و آزادی و استقلال او از هرنوع قانونی(انسان مسئول آن چیزی است که هست) یعنی خود را خلق می کند.
۴	جبر فرهنگی	پرستن جمز-هانس بوبک-ادوارد اولمن-ولفانگ هارتگر-جرج کارتر اولترمبا-آندره نشوله-پیروزرژ	۱۹۸۶	کشورهایی که دارای فرهنگ پیرفته ای می باشند می توانند بیش از سایر کشورها، محیط طبیعی را وام کنند و مورد بهره برداری قرار دهند. زیرا فرهنگ پیشرفته، مرتباً تکنولوژی جدیدی می آفریند.
۵	جغرافیای رفتار فضایی	ویلیام کرک-رونالد جانستون-ویدال دولابلاش-دیوید لاونتال-گالچ-براون	۱۹۸۰	به افتراق میان تصویر ذهنی و محیط عینی تأکید می کنند.
۶	جغرافیدانان رادیکال	پتر کروپوتنکین		برروی علل توسعه نیافتگی، نابرابری های ناحیه ای و مسائل شهری تأکید می نمایند
۷	جغرافیای اکولوژیک	ارنست هاگل-اموس هاوولی	۱۸۶۸	از بافت فیزیکی شهر برای شناخت و تحلیل شهر استفاده می نماید.
۸	جغرافیا و بوم شناسی انسانی	هارلن باروز-هربرت فلور-جرج هربرت مید-چارزهورتن کولی-رابرت پارک - رودیک مکنزی-جیم نورین-ارنست برگس	۱۹۲۳	به سازگاری انسان و محیط یعنی یکپارچگی انسان و محیط طبیعی او تأکید دارد.
۹	بوم شناسی فرهنگی	جولین استیووارد-کارل ساور-داریل فورد-سلی وایت-گانز-اورسلی	۱۹۶۰	به مطالعه روابط متقابل بین یک گروه فرهنگی که دارای شیوه زندگی مادی و معنوی می باشند با محیط طبیعی آنها می پردازند
۱۰	نظریه برنامه ریزی فضایی شهر			برپایه ی فعالیت های تجسمی و تنظیمی برنامه ریزان شهری و شهرک ها می باشد این نظریه با فضاهای مادی و فعالیت های شهری سرو کار دارند.

نظریه نهیلیسم جغرافیایی:

ان.ان. بارانسکی، جغرافیدان معروف روسی، در تفکرات جغرافیایی خود بیش از همه تحت تاثیر افکار گنورگی پلخانف(پدر سوسیالیسم روس) قرار داشت. از این رو به شدت به نهیلیسم جغرافیایی (هیچ انگاری شرایط جغرافیایی) حمله می کرد و آن را به تمسخر می گرفت(شکوھی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

گنورگی پلخانف(۱۸۵۵-۱۹۱۸)، در تفکرات فلسفی خود، جبر جغرافیایی را با نارسائیهای اقتصادی ترکیب می کرد و چنین نتیجه می گرفت: شرایط محیط طبیعی، مشخصات فعالیت های تولیدی انسانی را ابزار تولید او را تعیین می کند و ابزار

تولید، به صورت اجتناب ناپذیر روابط متقابل مردم را در فرآیند تولید مشخص می‌سازد. بدینسان، پلخانف و بارانسکی نسبت به محیط جغرافیایی یک برخورد مثبت داشته‌اند. دیدگاه بارانسکی، در روابط بین انسان و محیط جغرافیایی او سایر جغرافیدانان روسی را نیز تحت تاثیر قرار داده است و در دانشگاه مسکو، میراث فکری و علمی بارانسکی به صورت سنت بارانسکی از (سرنوشت گرایی جغرافیایی) مورد توجه بسیاری از جغرافیدانان روسی بوده است (شکوهی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). از جمله جغرافیدانان معروف روس که بعدها به سنت بارانسکی وفادار مانده بود وی. ا. آنوشین بود که در سال ۱۹۶۰، اثر با ارزش خود تحت عنوان (مسائل نظریه ای جغرافیا) منتشر کرد. او جغرافیای طبیعی را بدون انسان و جغرافیای اقتصادی را بدون طبیعت قبول نداشت و توسعه ی کشور را مثل بارانسکی در عوامل و شرایط جغرافیایی آن جستجو می‌کرد (همان منبع).

اگرچه طبیعت می‌تواند بر روی فعالیت های انسانی اثرگذارد اما به نظر می‌رسد گنورگی پلخانف اصلی ترین شاخص انسان که همان اختیار است را نادیده گرفته و آنرا وابسته به طبیعت می‌نگارد در حالیکه اگر چه طبیعت یک عامل تاثیر گذار است اما مطلق نمی‌باشد.

سازمان اجتماعی و سازمان فضایی:

جغرافیا نه تنها عینیت پدیده های مکانی- فضایی را مطالعه می‌کند بلکه روابط بین آنها را نیز در بستر زمان با توجه به شرایط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی مکان مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مسیر، جغرافیا از علوم قانونمند (سیتماتیک) کمک فراوان دریافت می‌کند و خود نیز به سوی جغرافیای توانمند حرکت می‌کند. همبستگی بین واقعیت های عینی که تحت تاثیر شرایط ناحیه ای شکل می‌گیرد بخش مهمی را در جغرافیا بنیان می‌نهد و تفاوت های مکانی را در سطح زمین موجب می‌گردد. بدین سان جغرافیا، تفسیر واقعیت های عینی با تاثیرپذیری آنها از افتراق مکانی، شالوده علم جغرافیا را تشکیل می‌دهد (شکوهی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). سازمان فضایی زیستگاه های انسانی، شهری و ناحیه ای، نتیجه مستقیم فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نهادی می‌باشد. در واقع این فرآیندها، عملکردی در فضا دارند اما فی نفسه فرآیندهای فضایی نیستند. از طرفی، عملکردهای محض سیاستهای ساختاری، بدون فقدان درون مایه فضایی، لاجرم به مسائل مهم می‌انجامد. گفتنی ست که در اغلب موارد، در جهان سوم، برنامه ریزی های توسعه، فرجام مطلوبی را نشان نمی‌دهند (شکوهی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). هر سازمان اجتماعی از کارکردهای سیاسی و فرآیندهای اجتماعی، نهادی و اقتصادی شکل می‌گیرد. در شکل گیری سازمان اجتماعی، سهم نیروهای سیاسی بیشتر است. هدف اصلی هر سازمان اجتماعی، عملکرد بهینه سازمان اجتماعی می‌باشد و سازمان اجتماعی از طریق روابط اجتماعی به جود می‌آید (همان منبع). جغرافیا، مطالعه آرایش فضایی پدیده ها (علم فضایی) می‌باشد. از زمان تالس، آنالسیماندر، هرودوت، استرابو و پتالمی، استفاده از روش های کمی و ریاضیات در جغرافیا، شروع شده بود و همه این بزرگان اندیشه، قبل از آغاز انقلاب علمی قرن هفدهم، از مسیر علمی کردن جغرافیا گام برداشته بودند. در سال ۱۹۲۸ در جغرافیای نو، رابرت پلات، جغرافیای امریکایی، در مجله جغرافیدانان امریکا، به کارکرد ناحیه ای و وابستگی های ناحیه ای (فضایی) تاکید بسیار کرد. در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، سنت فضایی درپاره ای از آثار جغرافیدانان معروف به کار گرفته شد. اما از اوایل دهه ۱۹۵۰ کار اصیل علمی در دیدگاه علم فضایی، با اثر ادوارد اولمن در زمینه ی تاثیرات متقابل فضایی و مقاله تهاجمی فرد کورت شيفر در مورد استثمارگرایی در جغرافیا آغاز کرد. در این آثار نظریه فضایی و نمونه های از تحقیقات والتر کریستالر، آلفرد بروفن تونن، افق های علمی تازه ای را در جغرافیا می‌گشاید (شکوهی، ۱۳۸۸: ۱۸۹). جغرافیا به منزله علم آرایش فضایی پدیده ها، با اثر ماندگار فرد کورت شيفر وارد ادبیات جغرافیایی می‌شود. شيفر مقاله های خود را با عنوان (استثمارگرایی در جغرافیا)، جغرافیا را علمی معرفی می‌کند که باید در جستجوی قوانین فراگیر باشد. مقاله ی شيفر که در ؟ نظریات هارتشون تهیه شده بود

اثبات گرایی منطقی (پوزیتویسم منطقی) را به سرعت وارد اطلاعات جغرافیا کرد. در سال ۱۹۶۲، ویلیام نویج، با اثر خود تحت عنوان جغرافیای نظریه‌ای، از اندیشه‌های شیفر در تدوین برنامه آموزشی جغرافیا در دانشگاه‌ها دفاع کرد و در سال ۱۹۶۹، دیوید هاروی، اندیشمند بزرگ جغرافیا با انتشار کتاب این سه اثر ماندگار، جغرافیا را به منزله (علم پراکندگی فضایی) در ردیف علوم طبیعی قرارداد (شکوهی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). دیدگاه‌های فضایی به همپوشی با سایر علوم به ویژه اقتصاد و جامعه‌شناسی تن در داد که مطالعات مربوط به تاثیرات هزینه‌ی حمل و نقل، مکان‌گزینی فعالیت‌های اقتصادی، سلسله مراتب شهری، نظام فضایی شهرها، پخش فضایی استفاده از برنامه ریزی خطی و تامین حداکثر سو و با حداقل هزینه با توجه به موانع موجود و منطقه‌ی نفوذ شهرها از آن جمله بود. از این نظر، جنوب شرقی ایالت اوهایو در ایالت متحده آمریکا، به یک آزمایشگاه مدل‌های فضایی تبدیل شد. مدل‌های تورستن هاگراستداند در زمینه (فرآیندهای پخش فضایی) با اعتبار علمی بسیار به مسیرهای جدی علمی امکانات مساعدی بخشید. همپوشی دیدگاه‌های رفتاری و عملکردی در شهرها و نقشه‌های تصویر ذهنی از آن جمله بود (شکوهی، ۱۳۸۸: ۱۹۰).

دیدگاه کارکردگرایی در فضا و نابرابری اجتماعی:

این دیدگاه نابرابری را ذاتی تمدن و عامل پیشرفت آن می‌داند. با دریافت مشترک تر و همگن تر از نابرابری به کارکردهای آن مهر تایید می‌گذارد این گونه است که نه فقط نابرابری طلبی همواره مولفه اصلی ایدئولوژی‌ها و برابری خواهی خاستگاه یوتوپیا (آرمان شهر) بوده است، بلکه نیروی اجتماعی یکپارچه تری زیر پرچم گروه انسجام یافته و اراده معطوف به قدرت نیز همواره پشتیبان آن بوده است (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۶۹). در حقیقت کارکردگرایان وابستگی متقابل و وحدت را در جامعه می‌بیند. دیدگاه کارکردگرایی، نابرابرهای اجتماعی را مبتنی بر وفاق می‌داند که ریشه‌های کثرت گرایانه داشته و در کل ثبات و منافع را برای اعتقاد آنها، نظام توزیع متفاوت "پاداش‌ها" کمک می‌کند تا افراد لایق و مستعد جامعه، برای اشغال دین موقعیت‌ها و انجام مؤثر و کارآمد وظایف خود برانگیخته و تشویق شوند موقعیت‌ها به وسیله پاداش مادی و منزلت داده می‌شوند. منزلت نیز ضمن آنکه خود، پاداش محسوب می‌شود، بازتاب اهمیت موقعیت نیز می‌باشد. از دید این دو نابرابری اجتماعی طرحی ناآگاهانه است که از طریق آن جوامع مطمئن می‌شوند که مهمترین موقعیت‌ها به طور خودآگاه توسط افراد اشغال خواهد شد. آری کسانی که چون تالکوت پارسونز، کینزلی دیویس، ویلبرت مور، مکین تامین و روزنفلد به رویکرد کارکردگرا تعلق دارند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۲۲۱). دیدگاه کارکردگرایان نسبت به نابرابری اجتماعی در جغرافیای شهری بیشتر در قالب مکتب اکولوژی شهری مطرح شده است. در این مکتب زندگی اجتماعی شهرها از طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاکل به کارگرفته شده است. زیرا بنیان گزاران مکتب شیکاگو معتقدند گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و قومی به مانند گونه‌های گیاهی، با حرکت به سوی تعامل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند (شکوهی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). از نظر پارک (۱۹۵۲) تمایز باختگی کارکردها به طور فضایی متبلور می‌شود. زیرا رقابت علاوه بر تقسیم کار، گروه‌های مختلف را به نواحی گوناگون شهرها می‌برد و به نوعی الگوی کاربری زمین در شهرها، مصرف الگوی وابستگی متقابل اقتصادی است. در فرآیند رقابت برسد منابع کمیاب همه برابر نیستند، به گونه‌ای گروه‌ها و نواحی مسلط، اجتماعات شان را زیر سیطره می‌گیرند. بدین لحاظ بر نواحی و مناطق شهر، محصول رقابت و تمایز باختگی کارکردی و توزیع فضایی گروه‌های مختلف به ویژه اجتماعی در نواحی مختلف شده است (عندلیب، ۱۳۷۸: ۹۵). این نظریه با رویکرد زیست محیطی به انسان و جوامع انسانی نگاه می‌کند. از نظر این گروه جوامع انسانی همچون اجتماع گیاهان می‌باشد که با توجه به شرایط موجود رشد می‌یابند. به عبارت دیگر در صورتی که شرایط مناسب باشد انسان رشد کرده و دارای منزلت اجتماعی می‌گردد و

برعکس در صورت نبود شرایط مناسب از منزلت پایینی برخوردار خواهد بود بنابراین انسان تحت تأثیر شرایط محیطی قرار می‌گیرد و اساساً معتقدند که این نابرابری باعث پیشرفت جوامع انسانی می‌گردد.

جبر محیطی و اگزستانسیالیسم:

مکتب اگزستانسیالیسم، مکتب اصالت وجود، به شدت جبرگرایی را مردود می‌داند. اگزستانسیالیسم به آزادی انسان در عملکردهایش و آزادی و استقلال او از هر نوع قانونی، چه قوانین طبیعی و چه قوانین دیگر معتقد است و انسان مسئول آن چیزی است که هست یعنی خود را خلق می‌کند. در این مکتب، انتخاب با خود انسان است. در واقع، این طرز تفکر، فلسفه اراده‌ی آزاد را بنیان می‌نهد. هر چند که شرایط تاریخی، اقتصادی و طبیعی، به نحوی در توسعه اجتماعی - اقتصادی انسان موثر می‌افتد. اما در نهایت، همه ما در انتخاب آزادیم که کدام الگوی توسعه را بپذیریم و چگونه جامعه مان و یا طبیعت را شکل دهیم؟ اگر در سرنوشت و زندگی ما، نارسایی رخ دهد این گناه خود ماست نه گناه نیروهای خارجی و یا قوانین خارجی (شکوهی، ۱۳۸۸: ۲۳۲-۲۳۴). این مکتب بر خلاف کارکردگرایان و نهلیسم‌ها معتقدند هرگونه تغییر اجتماعی امکان‌پذیر می‌باشد. از نظر این مکتب انسان قادر است جامعه و محیط جغرافیایی خود را بدانسان که می‌خواهد شکل دهد و در آن دخل و تصرف نماید. تا بدان حد که تعادل و توازن منطقی بین جامعه و طبیعت بوجود آید.

منشأ اجتماعی جبرگرایی محیطی:

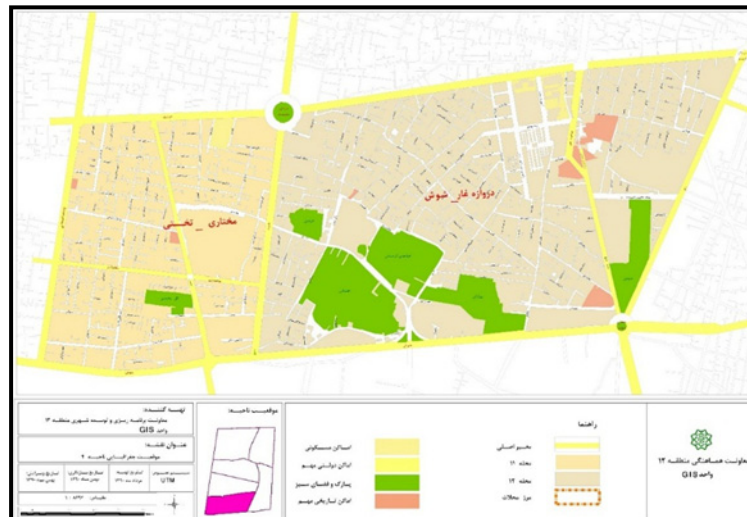
در قرن نوزدهم، اروپایی‌ها، کنترل خود را در سطح قاره‌های جهان، از ۳۵٪ در سال ۱۸۰۰ به ۸۵٪ در سال ۱۹۱۴، توسعه دادند. از سال ۱۸۷۰، در اروپا، یک تلاش شتاب‌آلود در جهت تصرف و اشتغال استعماری سرزمین‌های بیرون از قاره اروپا، به عمل آمد. این تلاش استعماری، گاهی اوقات، به از میان رفتن همه گروه‌ها و اقوام محلی بیانجامید. نظیر آنچه که در مورد بومیان تاسمانیا می‌بینیم. زمانی نیز، عملکردهای استعماری، به نابودی تمدن‌های باستانی مثل تمدن چین منجر شد. گاهی نیز، سراسر یک قاره، مثل قاره‌ی آفریقا به صورت قاره مستعمره درآمد. این همه رویدادهای تلخ و فاجعه‌آفرین، به یک تبیین علمی نیاز داشت تا مشروع جلوه کند. در نتیجه، تبیین محیط‌گرایی - جبرجغرافیایی به کارگرفته شد و با مراکز قدرت‌های استعماری پیوند خورد. در این مدار فکری، در نظریه‌های علمی، عوامل فرآیند اجتماعی، اقتصادی و اقتصاد سیاسی، کمتر از تحلیل بیولوژیکی یکی انسانی، مورد تأکید قرار گرفت. دیدگاه اثبات‌گرایی که از قرن ۱۷ در اروپا ظهور کرده بود و بعدها با نظریات داروین همه‌جاگیر گردید به شدت نظر دانشمندان اروپایی را جلب کرد. از این دوره به بعد، به جای آفریدگار جهان، به عنوان حرکت دهنده اصلی تاریخ بشر، تنها طبیعت به منزله تعیین‌کننده رویدادها مطرح می‌گردد. این مفهوم، بعدها با عنوان (ماتریالیسم جغرافیایی) یا ماده‌باوری جغرافیایی، وارد ادبیات جغرافیا علمی می‌شود. (شکوهی، ۱۳۸۸: ۲۴۳).

محدوده‌ی مورد مطالعه

ناحیه ۴ منطقه ۱۲ باوسعتی در حدود ۳۶۳ هکتار فضای سبز در حدود ۳۳۹۹۲۴ است که از شمال به خیابان مولوی مرکزی، از جنوب به خیابان شوش، از شرق به خیابان ری، از غرب به خیابان خیام منتهی می‌گردد. جمعیت ثابت این محله بالغ بر ۲۴۰۰۰ نفر و جمعیت شناور تقریبی آن نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد. تقریباً ۱۰۰۰ نفر از جمعیت آن را اطباء بیگانه که اکثریت آن‌ها را افغان‌ها تشکیل داده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که درآمد سرانه اغلب اهالی حداکثر ۲۵۰۰۰۰ تومان و میانگین سنی در حدود ۳۵ سال می‌باشد که در حدود ۶٪ از آنان بی‌سواد یا کم‌سواد هستند؛ در مجموع می‌توان گفت در حدود ۴۰۰۰ نفر خانوار در حال حاضر در این مکان ساکن و اغلب آنان افراد مهاجر و غیربومی از اقوام کرد، لر، زوکی‌ها و... هستند. مهم‌ترین مشخصه‌های ناحیه ۴ بافت فرسوده است، به صورتی که ۷۵ درصد از ابنیه‌های آن از قدمت

بالای ۷۰ سال برخوردار است از مشخصه‌های دیگر ناحیه ۴ بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی باشد به صورتی که علیرغم فعال بودن حدود ۷۰ چاه آب که وظیفه پایین نگه داشتن سطح آب‌های زیرزمینی را دارند در بارندگی‌ها معضلات و مشکلات زیادی بوجود می‌آید. وجود ساختمان‌های اداری و خدماتی ناحیه ۴، ورزشگاه پانزده هزار نفری شهید هرندی، پارک‌های بهاران، حقانی، خواجوی کرمانی و کتابخانه صابونیزخانه و سرای محله تختی و همچنین پارک شوش و سوله بحران انبار گندم و مختاری بعنوان مراکز مهم اداری- خدماتی، فرهنگی و ورزشی حائز اهمیت فراوان هستند.

نقشه شماره ۱: ناحیه ۴ منطقه ۱۲



مأخذ: شهرداری ناحیه ۴ منطقه ۱۲

۲. روش

در این بخش به بیان روش تحقیق که با رویکرد کمی و کیفی مورس به صورت پیمایشی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است، می‌پردازیم. همچنین توضیحاتی در خصوص فواید و محدودیت‌های این روش ارائه می‌دهیم و سپس به تعریف موقعیت جغرافیایی جامعه آماری مورد مطالعه می‌پردازیم.

در جغرافیای کاربردی، در جریان عمل، با مسائلی روبرو می‌شویم که همه‌ی آن‌ها، کارکردهای علمی محض لازم را ندارند؛ بلکه یک مرحله فراعلمی محسوب می‌شوند و چه بسا که در آن‌ها تفکرات سیاسی یا معنوی برتری می‌یابد؛ چرا که در جغرافیای کاربردی، باید تصمیم نهایی اتخاذ گردد. مهم اینجاست که یک محقق جغرافیای کاربردی باید بداند که یک مسأله خاص در کجا بوجود می‌آید؟ در کدام گروه جامعه تأثیر بیشتری می‌بخشد؟ و بالاخره ابعاد این مسئله چقدر بزرگ است؟ از این رو کار مهم در تفکرات جغرافیای کاربردی به هنگام روبرو شدن با مسائل، شناخت حد مجاز، حد قابل قبول یا حد متوسط مسأله است و در مرحله آخر است که مقیاس میان راه حل‌ها و انتخاب استراتژی در حل مسأله و آینده‌نگری پیش می‌آید (شکویی، ۱۳۸۷: ۵۹). در جغرافیای کاربردی، بسیاری از جغرافی‌دانان، در مسیر کاربرد علم خود، معمولاً به دو طریق عمل می‌نمایند:

۱. روش مسأله‌گزینی

۲. تحقیق ویژه مسأله (همان).

در این پژوهش سعی گردیده تا از روش کمی و کیفی موریس استفاده نماییم. همان‌طور که در قسمت روش پژوهش ذکر شد، پژوهش حاضر از روش کمی و کیفی موریس به صورت پیمایشی و کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. این تحقیق از جمله مطالعات آمایش سرزمین می‌باشد که به تحلیل فضایی محلات نابهنجار با تأکید بر اکولوژی انسانی در کلان‌شهر تهران تأکید دارد و با استفاده از روش موریس به بررسی درجه توسعه یافتگی محلات شهر تهران و بویژه منطقه ۱۲ شهرداری تهران می‌پردازد.

روش توسعه یافتگی موریس

این روش یکی از جدیدترین و کاربردی‌ترین روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به شمار می‌رود. موارد استفاده و کاربرد این روش را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

۱. در برنامه‌ریزی و ساماندهی فضایی به کار گرفته می‌شود؛
۲. به کمک این تکنیک می‌توان سکونتگاه‌ها را درجه‌بندی و سپس طبقه‌بندی نمود؛
۳. به کمک این تکنیک می‌توان مکان‌های مرکزی و درجه‌بندی سکونتگاه‌ها را مشخص نمود؛
۴. با استفاده از اطلاعاتی که برای هر واحد سکونتگاهی در دست می‌باشد، می‌توان جایگاه توسعه یافتگی هر یک از واحدها را میان سایرین تعیین نمود. این جایگاه ابتدا بر حسب هر یک از شاخص‌های انتخابی با استفاده از ضریب ناموزون موریس تعیین شده و در نهایت میانگین مجموعه شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیلی مشخص می‌شود. این روش به گونه‌ای ساده ولیکن در خور توجه، جایگاه توسعه یافتگی هر یک از واحدها را تعیین و سپس به رتبه‌بندی سکونتگاه‌های ناحیه می‌پردازد؛
۵. می‌توان انواع متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و کالبدی را در این تکنیک به کار گرفت. در حقیقت می‌توان گفت این روش بسیاری از کارایی‌های مدل اسکالوگرام و مدل تاکسونومی را داشته، ضمن آن‌که روش کار با این تکنیک بسیار ساده‌تر می‌باشد (آسایش، ۱۳۷۵: ۱۴۸-۱۴۷).

روش موریس به طور خلاصه بدین صورت است:

مرحله اول: جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز براساس ماتریس ذیل:

I \ J	i_1	i_2	$i_3 \dots$	i_m
j_1	$x_{j_1 i_1}$			
j_2		$x_{j_2 i_2}$		
j_3			$x_{j_3 i_3}$	
⋮				
j_n				$x_{j_n i_m}$

که در این جدول i_m ها معرف مؤلفه‌های مورد نظر تحقیق و J_n ها نواحی مورد بررسی در ارتباط با i_m هاست. مرحله دوم: تعیین میزان محرومیت هر منطقه J_m از هر شاخص i_m است که رابطه ذیل بدست می‌آید:

$$X = \frac{Maxx_{jt} - Rx_{jt}}{Maxx_{jt} - Minx_{jt}}$$

که $maxx_{jt}$ حداکثر مقدار Jm از هر Jm حداقل مقدار هر Jm از هر Jm مقدار هر ناحیه از Jm از هر شاخص Im است. لازم به ذکر است که دامنه محرومیت هر I ام از هر شاخص I ام طبق تعریف حداکثر محرومیت (حداقل برخورداری) معادل صفر و حداقل محرومیت (حداکثر برخورداری) معادل یک خواهد بود و به شرح ذیل قابل محاسبه است: مرحله سوم: محاسبه شاخص متوسط محرومیت J امها براساس هر I ام است که به شرح ذیل انجام می‌گردد:

$$\frac{1}{n} \sum_j^{n} = 1 \frac{Maxx_{jt} - Rx_{jt}}{Maxx_{jt} - Minx_{jt}}$$

مرحله چهارم: تعیین درجه برخورداری و میزان توسعه یافتگی هر I ام از مجموع شاخص‌های I ام است که به صورت یک شاخص ترکیبی حاصل آمده است و شکل کلی آن به شرح ذیل است (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۴).

۳. یافته‌ها

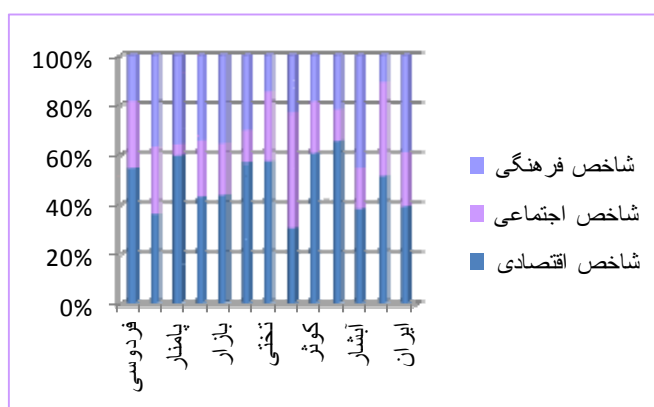
براساس داده‌های جمع‌آوری شده در قالب ۳ شاخص توسعه (۶۰ مؤلفه) و با استفاده از مدل موریس، ضریب توسعه یافتگی محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ محاسبه گردید. نتایج محاسبه نشان می‌دهد نوسان ضریب توسعه یافتگی در شاخص اقتصادی از حداقل ۰/۰۴ تا حداکثر ۰/۲۷ می‌باشد. این ضریب در شاخص اجتماعی بین ۰/۰۲ تا ۰/۱۳ و در شاخص فرهنگی بین ۰/۰۳ تا ۰/۱۷ می‌باشد.

جدول شماره ۲. سطوح توسعه یافتگی محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ تهران

شاخص فرهنگی		شاخص اجتماعی		شاخص های اقتصادی		محلات شاخص ها
ضریب توسعه یافتگی D.I	رتبه	ضریب توسعه یافتگی D.I	رتبه	ضریب توسعه یافتگی D.I	رتبه	
0.09	6	0.13	1	0.27	1	فردوسی
0.11	5	0.08	5	0.11	9	بهارستان
0.15	3	0.02	9	0.25	2	پامنار
0.15	3	0.1	3	0.19	5	امام زاده یحیی
0.17	1	0.1	3	0.21	4	بازار
0.11	5	0.05	7	0.21	4	سنگلج
0.03	8	0.06	6	0.12	8	تختی
0.03	8	0.06	6	0.04	10	هرندی
0.07	7	0.08	5	0.23	3	کوثر
0.07	7	0.04	8	0.21	4	قیام
0.13	4	0.05	7	0.11	9	آبشار
0.03	8	0.11	2	0.15	7	دروازه شمیران
0.16	2	0.09	4	0.16	6	ایران
0.09		0.06		0.16		C.V

مأخذ: محاسبات نگارنده

نمودار شماره ۱. رتبه و ضریب توسعه یافتگی محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ تهران



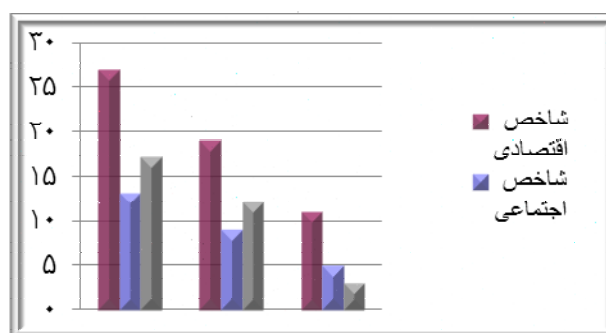
مأخذ: محاسبات نگارنده

در شاخص اقتصادی محله فردوسی با ضریب ۰/۲۷ بالاترین و محله هرندی با ضریب ۰/۰۴ پایین ترین ضریب توسعه یافتگی را دارا هستند. در شاخص اجتماعی محله فردوسی با ضریب ۰/۱۳ بالاترین و محله پامنار با ضریب ۰/۰۲ پایین ترین ضریب توسعه یافتگی را دارا هستند. در شاخص فرهنگی محله بازار با ضریب ۰/۱۷ بالاترین و محله هرندی با ضریب ۰/۱۱ پایین ترین ضریب توسعه یافتگی را دارا هستند.

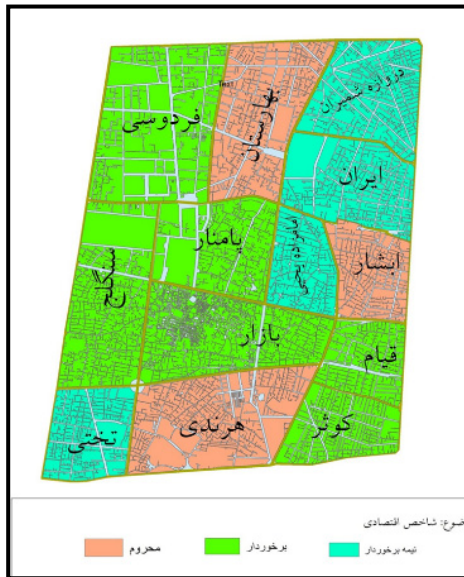
جدول شماره ۳. رتبه و ضریب توسعه یافتگی محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ تهران

شاخص ها	سطوح توسعه	ضریب توسعه یافتگی
شاخص اقتصادی	برخوردار	۰/۲ - ۰/۲۷
	نیمه برخوردار	۰/۱۲ - ۰/۱۹
	محروم	۰/۰۴ - ۰/۱۱
شاخص اجتماعی	برخوردار	۰/۱ - ۰/۱۳
	نیمه برخوردار	۰/۰۶ - ۰/۰۹
	محروم	۰/۰۲ - ۰/۰۵
شاخص فرهنگی	برخوردار	۰/۱۳ - ۰/۱۷
	نیمه برخوردار	۰/۰۸ - ۰/۱۲
	محروم	۰/۰۳ - ۰/۱۷

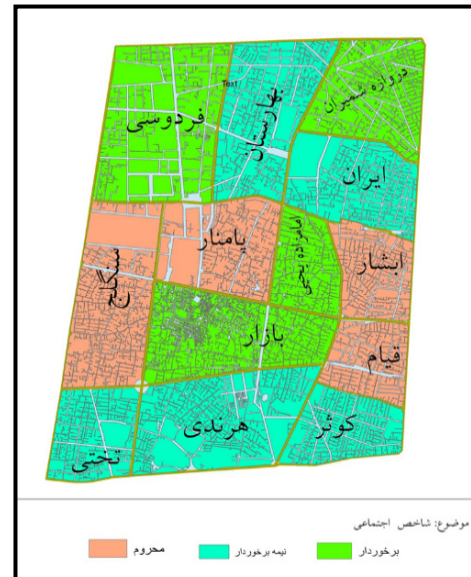
مأخذ: محاسبات نگارنده



مأخذ: محاسبات نگارنده

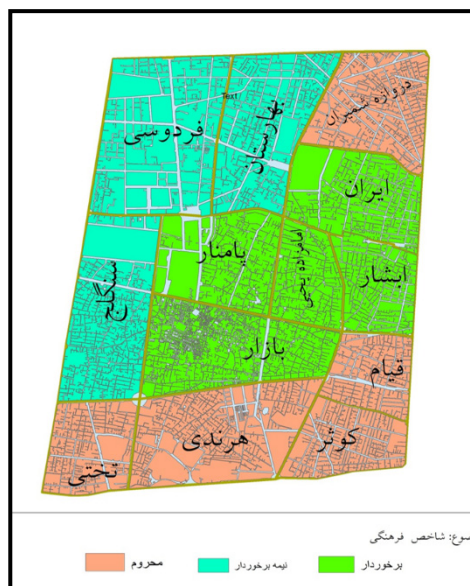


مأخذ: محاسبات نگارنده



مأخذ: محاسبات نگارنده

نقشه شماره ۴. شاخص های فرهنگی



مأخذ: محاسبات نگارنده

۴. بحث

با جمع بندی امتیاز ضرایب موريس برای سه شاخص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وضعیت کلی محلات به صورتی است که محله فردوسی در شاخص اقتصادی و اجتماعی دارای وضعیت برخورداري نسبت به محلات دیگر می باشد. در شاخص فرهنگی محله بازار از وضعیت مطلوبی برخوردار می باشد. آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت نتایج حاصل از

شاخصهای انتخابی می باشد به عبارت دیگر محلات امام زاده یحیی، بازار، پامنار در شاخص های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای رتبه های بالایی می باشد. اما آنچه از در ظاهر نشان می دهد عدم وضعیت مطلوب محلات ذکر شده می باشد. به عنوان نمونه محله پامنار در شاخص اقتصادی رتبه دوم را کسب نموده است درحالی که بررسی های صورت گرفته نشان می دهد که ساکنین محله پامنار از این شاخص ها بهره ی نبرده اند و محله پامنار با وجود قدمتی چند صد ساله رو به رکود می باشد. مولفه های شاخص اقتصادی در این محله بالا بوده اما آنچه که قابل توجه است عدم برخورداری محله از این شاخص هاست و به نظر می رسد محله دچار نوعی استعمار اقتصادی گردیده است. به عبارت ساده تر محله پامنار مرکز مناسبی جهت کسب در آمد و ثروت برای ساکنین خارج از محله می باشد و در آمد حاصل از این محله در بیرون از محله صرف می گردد و خود محله از این ثروت بهرمنند نمی گردد. وضعیت پراکنش فرهنگی محلات در روش پهنه بندی موريس نشان می دهد محله بازار به لحاظ اجتماعی دارای وضعیت مطلوبی است اما آنچه که در این محله قابل توجه می باشد این نکته است که محله بازار بدلیل قدمت تاریخی در گذشته مرکزیت دینی نیز بوده است و مؤلفه های فرهنگی نظیر مسجد، حسینیه و ... در این محله نسبت به محله دیگر بیشتر می باشد اما در عمل وجود چنین مراکزی نتوانسته است باعث توسعه یافتگی محله گردد. در سال های اخیر محله هرنندی توان اقتصادی خود را در مقایسه با سالهای قبل از دست داده و با تخریب محله خاک سفید بر آسیب های اجتماعی این محله افزوده گردیده است و در حال حاضر این محله مکان زندگی افراد بی خانمان، آلونک نشین و روسپی گردیده است. عده ای از افراد محله بی خانمان هستند و در بیرون از محله در بوستان های اطراف محله به سر می برند. فقر نسبی سرتاسر محله را فرا گرفته و نیروی انسانی فاقد مهارت های لازم با تحصیلات پایین مشاهده می گردد.

تفرق و چند پارچگی اجتماعی

کلان شهر تهران امروز به دلیل گسترش بی رویه و سریع دستخوش تفرق و چند پارچگی اجتماعی گردیده است. در سطح شهری نیز آنجا که می توان به طور مشخص، بخش های ثروتمند و فقیر شهری را از هم متمایز کرد تفرق وجود دارد. تفرق اجتماعی درون شهر ها تاریخی بوده و در حال افزایش است. ما همیشه شاهد تمایز بخش های ثروتمند و فقیر شهر بوده ایم که بازتاب تاریخی توسعه ی صنعتی و قدرت ثروتمندان برای خرید نواحی بهتر برای زندگی با چشم انداز خوب حمل و نقل بهتر مدارس و کیفیت هوای بالا بوده است و این یعنی از بین رفتن عدالت اجتماعی. مسئله تفرق اجتماعی در درون مناطق شهری نیز صدق می کند این بدان معناست که یک منطقه با داشتن شش ناحیه و سیزده محله از یکدستی اجتماعی برخوردار نیست و با تغییر از یک محله به محله دیگر تفاوت طبقاتی به وضوح مشاهده می شود. نمونه بارز این امر را در محدوده ی مورد مطالعه می توان دید به طوری که با گذر از یک محله به محله دیگر بخش ثروتمند و فقیر منطقه از هم جدا می گردند. محلاتی نظیر محله فردوسی، بهارستان، ایران به لحاظ ساختاری و اجتماعی در وضعیت مطلوبی برخوردار هستند و این در حالی است که محله هرنندی با وجود همجواری با بازار بزرگ تهران از وضعیت نامطلوبی برخوردار گردیده است و هر روز شاهد بروز آسیب های اجتماعی آن هستیم که این امر هم بر بافت محله و هم بر روی زندگی ساکنین محله تأثیر می گذارد. بررسی های صورت گرفته نشان داد که محله هرنندی به دلیل وجود کاربری های تجاری و باراندازهای موجود دچار نوعی از آسیب های اجتماعی و به تعبیری نابهنجاری گردیده است. محله هرنندی در حاشیه تجاری مرکز شهر قرار دارد در ضلع شمال و شمال شرقی آن بازار بزرگ تهران و بازار مولوی و امین السلطان، بازار بلور فروشان در ضلع جنوب شرقی با مرکزیت تجاری واقع شده است. وجود کاربری های تجاری، اسکان کارگران دست فروشان و مهاجران در بافت مسکونی محله باعث گردیده محله هرنندی از تنوع آسیمی بیشتری برخوردار باشد.

حضور اقوام گوناگون با خورده فرهنگهای مختلف باعث گردیده است محله به لحاظ اجتماعی یک دست نباشد و این خود مسائل و نابهنجارهای گوناگونی را بوجود می‌آورد. این محله بدلیل عدم توجه مدیران ارشد شهری در سال‌های گذشته دستخوش تغییرات اجتماعی، کالبدی و فضایی گردیده است. در حال حاضر ویژگی غالب در این محله وجود بافت قدیمی و فرسوده محله می‌باشد. از جمله ویژگی‌های ناپایدار حاکم عبارتند از: ناپایداری ساختمانها، نفوذناپذیری، تبدیل شدن واحدهای مسکونی فرسوده به انبار فعالیتهای تجاری به ویژه در بلوک‌های مجاور بازار مولوی، خیام، امین‌السلطان و صاحب جمع، فراوانی خانه‌های مخروبه و فضاهای بی‌دفاع شهری، فراوانی کاربری‌های مزاحم مانند انبار ضایعات و تفکیک زباله است. قدمت بیشتر بناهای مسکونی محله بیش از ۶۰ سال است و فاقد ارزش تاریخی است. کوچه‌ها و معابر محله باریک و نفوذناپذیر بوده و ظرفیت نظارت‌پذیری آنها بسیار پایین است. با توجه به این ویژگی‌ها و وقایعی که در محله هرندی در جریان است، زوال محله هرندی، در روایت‌هایی که ساکنان محله از آن ارائه می‌دهند کاملاً مشهود است. مساله زوال محله هرندی که از یک سو به پروسه تاریخی شکل‌گیری محله و از سوی دیگر به موقعیت آن در ساختار و الگوی رشد شهر تهران برمی‌گردد که دارای ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی است. چرچیل سمپل از نظریه پردازان جبر محیطی است او انسان را تحت تأثیر محیط جغرافیایی دانسته و معتقد است محیط بر روی رفتار انسانی تأثیر می‌گذارد. محقق در این تحقیق ضمن بررسی تأثیرات محیط جغرافیایی بر روی رفتار انسانی با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و تأثیر آن بر محیط اطراف پرداخته و با در نظر گرفتن شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محلات سیزده گانه منطقه ۱۲ را به لحاظ توسعه یافتگی با یکدیگر مقایسه نموده و به تحلیل آن پرداخته است که نشان دهنده ی تأثیر انسان بر روی محیط و تأثیر پذیری از آن می‌باشد. در این میان تحلیل فضایی محلات با رویکرد اکولوژی انسانی به صورت راهکاری مؤثر برای کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی شهری است. این تحلیلها به مدیریت شهری این مکان را می‌دهد که با اقدامات پیشگیرانه که شامل شناسایی محدوده‌های نابهنجار شهر در آینده و ارائه راهکارهایی برای ایمن‌سازی و بهبود شرایط فعلی و اقدامات کنترل درمانی در کانون‌های نابهنجار شهر و در آینده و ارائه راهکارهایی برای ایمن‌سازی و بهبود شرایط فعلی و اقدامات کنترل و درمانی کانون‌های آسیب‌ی فعلی که با درک علل آن از طریق شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توأم است. بدیهی است از این میان در روش فوق اقدامات پیشگیرانه به لحاظ شاخص اقتصادی و اجتماعی از کارایی بالاتری برخوردار است. بررسی‌های انجام شده در محلات نابهنجار نشان می‌دهد شکل و طراحی شهری در میزان بروز مسائل اجتماعی تأثیر گذار است. طبق نظرات جاکوبز جرم و محیط نظام پذیر، قابل مشاهده و کنترل هست جرایم خواهد بود و لذا مراقبت‌های معمولی ساکنین شهر مانع مهم بروز جرایم خواهد بود. جاکوبز همچنین به این نکته اشاره می‌کند که کاربری‌های تجاری تأثیر مستقیمی در میزان جرایم شهری دارد. نوع کاربری و ساخت و ساز شهری در نوع میزان جرایم مؤثر است. نتایج حاصل از تحقیقات نشان می‌دهد شکل و ساختار فیزیکی محله بر میزان آسیب‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. حال در این زمینه می‌گوید: رفتار فضایی انسان را متاثر از درک انسان از فضا می‌داند که خود تحت تاثیر فاصله و موقعیت قرار گیری انسان نسبت به فضای اطرافش قرار دارد. بررسی‌های صوت گرفته‌شده نشان می‌دهد بین نزدیکی سکونت مجرمان با میزان آسیب‌های اجتماعی ارتباط وجود دارد. بنت در پژوهشی نشان می‌دهد که مسیرهای دسترسی به بزهکاران و نزدیکی نواحی جرم خیز به محل سکونت بزهکاران، مهمترین عامل شکل‌گیری محدوده‌های آلوده شهر است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد وجود کانونهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در درون محلات می‌تواند بر کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد و همانطور که بررسی‌های ویلیام فوت بر شهر شیکاگو نشان می‌دهد محلاتی که دارای سازمان اجتماعی خاص بودن باهم ارتباط صمیمانه و منسجمی وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بین حضور اقوام مختلف ساکن در محلات و میزان آسیب‌های اجتماعی ارتباط وجود دارد.

همانطور که جرال دى ساتلز در بررسی‌های خود نشان می‌دهد حضور اقوام مختلف موقعیت اجتماعی پیچیده‌ای را در درون محلات بوجود می‌آورد چراکه هریک از اقوام دارای آداب و رسوم خاصی هستند و این موجب تعارض فرهنگی در درون محلات می‌گردد.

پیشنهادات

با توجه به اینکه محله هرندی از سرانه فضای سبز بالایی برخوردار است لذا به منظور رشد و توسعه محله و تزریق رونق اقتصادی می‌توان نسبت به ایجاد مکان‌های تفریحی برای بزرگ سالان و شهرسازی برای کودکان در داخل بوستان حقانی اقدام نمود.

۱. انتقال مراکز درمانی در حوزه آسیب‌های اجتماعی (نمونه خانه خورشید) به حاشیه‌های شهر زیرا وجود اینگونه مراکز در داخل بافت محله نه تنها به کاهش و کنترل نابهنجاری‌های موجود در آن کمک نمی‌کند بلکه باعث تشدید و افزایش و تمرکز آن می‌گردد.

۲. باتوجه به اینکه منطقه ۱۲ میراث دار طهران قدیم است و در حال حاضر به عنوان نگین شهر تهران نام گرفته است لذا ایجاد و راه اندازی بازارهای صنایع دستی تهران و شهرستان‌های اطراف آن ضمن ایجاد رونق اقتصادی منجر به آشنایی با کلیه آداب و رسوم و صنایع دستی تهران می‌گردد.

۳. باتوجه به مشکل فقدان نظارت رسمی و غیر رسمی سازمان یافته و کارشناسی شده در فضاهای محله لازم است از طریق طراحی محیطی امکان نظارت برفضا‌های نا امن و بی دفاع شهری محله افزایش یابد.

۴. باتوجه به اینکه آسیب‌های اجتماعی در فضاهای خاص شکل می‌گیرند و بین فضاهای بی دفاع شهری و آسیب‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی وجود دارد بنابراین مسئولین و مدیران ارشد شهری می‌بایست در طراحی مکان‌های شهری اقدامی کارشناسانه انجام دهند تا موجب بروز مکان‌های بی دفاع شهری نگردد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۱). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. (باقر پرهام، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان.
- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی علل بزهکاری جوانان داستان گلستان. فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. سال ۱. شماره ۲.
- افرو، معمار (۱۳۸۸). فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جداگیزی فضایی و پیامدهای آن. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۲). طراحی و الگوی رفتاری، پیشنهادی برای بهسازی پارک‌های شهری. مجله محیط‌شناسی، ویژه نامه طراحی محیط، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
- حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، رضا (۱۳۸۷). جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر (چاپ اول). انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دورکیم، ایمیل (۱۳۸۹). درباره تقسیم کار اجتماعی. (چاپ اول). (باقر پرهام، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۷). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. (بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، مترجم). تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (چاپ دوم). (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۹). مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۳). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. انتشارات دانشگاه یزد.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۷). راهبرد تعادل فضایی کلان شهر تهران. (مجموعه مقالات توسعه فرهنگی، اجتماعی کلان شهر تهران). مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران. سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۴). اندیشه‌های خام در شهرسازی. مجله دانشکده هنرهای زیبا، شماره ۱.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۵). ساختار ناسازگار تهران. مجله معماری و شهرسازی. دوره ۶ شماره ۶-۷.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۵). سایت‌ها و معیارهای ساماندهی مراکز حوزه‌های شهر تهران. شهرداری تهران سازمان مشاور فنی، مهندسی شهر تهران.
- سعیدنیا، احمد. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۷۴). مسائل ناشی از توسعه فضایی، کالبدی تهران. طرح تحقیقاتی، مؤسسه هماهنگ محیط زیست. دانشگاه تهران.
- سواد کوهی، ساسان (۱۳۸۷). میدان‌های تهران در گذر زمان. (چاپ اول). تهران: انتشارات بهراد.
- سهامی، سوسن. احمدی، حبیب (۱۳۸۹). بزهکاری و خرابه‌کاری. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، شماره ۱۷.
- شکویی، حسین (۱۳۸۸). فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- طاهری، شهنام (۱۳۷۶). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی. تهران: نشر آروین.
- معمارزاده، قدرت‌الله (۱۳۷۴). گزارش توسعه انسانی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

- **Ehainey, s. comeron, j. G. , Leitner, M.,& Wilson, R.E.(2009).** MAPPING crime: Understanding Hot Spots. Washington. Departement of justice. Office of justice programs, National Institute of justice (NIJ). Retrieved from.
- **Gibbs, Jack p,(2012).** conceptions of Deviant Behavior: the old and the New”, pacific Sociological Review,9,9- 114.
- **Gove,Walter R. (ED).(2010).**The Sociologist as partisan: Sociology and the Welfare state, the American Sociologist,3 103-116.
- **Hirschi, Travis.(2011).**causes of Deling uency,Berkeley and Los Angeles: university of California. Press.
- [www. Noormagezing.irah](http://www.Noormagezing.irah)
- www.sid.ir
- www.westa.ir